

بررسی اثر تورم بر فقر با استفاده از مدل اقتصاد سنجی و دیدگاه‌های قرآن کریم

دکتر رضا رحیمی^۱، دکتر مرجان دامن کشیده^۲، محمد افراسیابی^۳

چکیده

یکی از بنیادی ترین مشکلات اقتصادی در ایران، موضوعی به نام تورم و اثرات نامساعد آن بر جامعه است. پژوهشهای انجام شده این موضوع را از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار داده اند. یکی از این موارد بررسی تاثیر تورم بر فقر می باشد. تورم با تغییر سطح عمومی قیمت‌ها، بر فقر تاثیر گذاشته و شاخص فقر را در وضعیت بدتری قرار میدهد. این پژوهش تلاش میکند تا دیدگاه قرآن کریم را در رابطه با فقر و تورم بیان نموده و جایگاه این دو پدیده را در مقایسه با سایر مواردی که خداوند متعال، انسان را از انجام آنها منع فرموده است مشخص نماید. در همین رابطه ابتدا با استفاده از داده های سری زمانی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹ و تکنیکهای اقتصاد سنجی تاثیر تورم را بر خط فقر نسبی بعنوان هدف اصلی پژوهش مورد بررسی قرار داده و نتایج بدست آمده را بیان نموده ایم. همچنین دادهای ضریب جینی، رشد درآمد ملی، نرخ بیکاری و نرخ ارز نیز در بازه زمانی مذکور بعنوان متغیرهای کمکی در مدل قرار داده شده و تاثیر آنها را تحت عنوان اهداف فرعی پژوهش شرح داده ایم. در پایان پیشنهادات مرتبط، با محوریت آیات قرآنی ارائه گردیده است. امید است این پژوهش بتواند پنجره ای را به روی حقیقت بگشاید.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تورم، فقر، بیکاری، نرخ ارز. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

نادرست آن باشد (محسن جلالی-۱۳۹۴). در یک جامعه این دو موضوع بیش از همه به حوزه های اقتصادی مرتبط می شود. در همین رابطه بررسیهای زیادی انجام شده است که نشان میدهد، یکی از بنیادینترین مشکلات اقتصادی، موضوعی به نام تورم و اثرات نامساعد آن بر اقتصاد است. این عامل با ایجاد نااطمینانی، مانع از تشکیل پس انداز و سرمایه گذاری

فقر از جمله مسایلی است که همواره مورد توجه نخبگان هر کشوری می باشد. این مسأله به دلیل وجود پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن علاوه بر پژوهش توسط اندیشمندان علوم اقتصادی توسط سایر پژوهشگران حوزه های دیگر علوم انسانی نیز مورد بررسی و توجه قرار می گیرد. به طور کلی، این پدیده می تواند معلول دو عامل کلی کمبود درآمدها و توزیع

۱. استادیار، عضو هیئت علمی، دانشکده اقتصاد دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.

۲. استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گرایش اقتصاد اسلامی.

شده است. در این حالت محقق، خواه ناخواه، با پیش داوری به پدیده تورم نگریسته است، حال آنکه اگر همه متغیرها، به طور همزمان، مورد بررسی قرار گیرد، نتایجی متفاوتی حاصل میشود (قاسمی، ۱۳۸۸).

- نظریه پولی تورم:

پولیون معتقدند که تورم در بلندمدت یک پدیده پولی است بدین معنا که تورم ناشی از رشد عرضه اسمی پول است. هرچقدر نرخ رشد عرضه اسمی پول بیشتر باشد نرخ تورم بالاتر خواهد بود (پورکازمی - ۱۳۹۴). براساس مکتب پولی، یک رابطه بسیار ساده، مستقیم و متناسب بین رشد پول و تورم وجود دارد. به عبارت دیگر، در بلندمدت نرخ رشد قیمتها معادل نرخ رشد ذخیره اسمی پول است. پولیون، همچنین، معتقدند که مجموعه عوامل غیر پولی مانند فشار تقاضا در شرایط اشتغال کامل، فشار دستمزدها یا سودها، فعالیت احتکارگران، بروز تنگنای گوناگون اقتصادی و موانع ساختاری، زمانی موجب بروز تورم می شوند که با تغییرات حجم پول همراه باشند، در غیر این صورت، تورمی در کار نخواهد بود (شاکری - ۱۳۷۹).

- نظریه تورم ناشی از فشار تقاضا:

زیربنای اصلی این نظریه، نظریات کینز است. بر اساس این نظریه، تورم نتیجه فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل در شرایط اشتغال کامل است. در این وضعیت افزایش سطح عمومی قیمت ها امری اجتناب ناپذیر است. علت این افزایش را باید در دو بخش واقعی و پولی اقتصاد جستجو کرد. در بخش واقعی، عواملی چون افزایش مخارج مصرف کننده، افزایش مخارج سرمایه گذاری، افزایش صادرات و کاهش واردات می توانند باعث افزایش تقاضای کل شده، یا به عبارت دیگر، منحنی تقاضای کل را به سمت بالا انتقال دهند (تفضلی - ۱۳۷۶) از سوی دیگر، افزایش تقاضا می تواند نتیجه عوامل پولی باشد. افزایش حجم پول در اثر سیاستهای پولی انبساطی، باعث افزایش تقاضای کل شده و سطح عمومی قیمتها را افزایش می دهد (کریگوری، ۱۳۷۵) در اقتصاد کینزی، افزایش تقاضای مؤثر تا زمانی که عوامل تولید بیکار وجود دارد، به افزایش تولید واقعی منجر می شود، اما هنگامی که نیروی کار و تجهیزات سرمایه ای به طور نسبی در اشتغال

شده، توزیع درآمد در جامعه را به نفع ثروتمندان و به زیان گروه فقیر تغییر میدهد، همچنین نابرابری را افزایش داده و مانع بزرگی در جهت اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی بوجود می آورد. (محمد زائری و کامران ندی - ۱۳۹۲) تحلیل های اقتصاد خرد نشان میدهد به دلیل استفاده بیشتر طبقات پایین درآمدی، از محل درآمدهای ثابت، تورم، عاملی بالقوه برای افزایش شکاف طبقاتی در ایران است. در این راستا مطالعات انجام شده حکایت از آن دارند که تورم عاملی است که سبب میشود تا طبقات بالایی و ممتاز جامعه، که از بیشترین ثروت و امکانات اقتصادی و اجتماعی برخوردار هستند، به بهای زیان طبقات پایین تر سود ببرند، لذا این موضوع موجب افزایش شکاف طبقاتی بیشتر در جامعه میگردد (وحید مهربانی - ۱۳۸۸). یکی از مشکلات چند دهه اخیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه غیر متعارف بودن نرخ های تورم است. پدیده ای که هر فرد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد زیرا که پرداختهای اسمی او را به نسبت قبل افزایش می دهد در حالیکه جهت تغییر در دریافت های واقعی او مشخص نیست و تابعی از وضعیت شغلی فرد و ... میباشد. از طرفی برآیند این آثار در اجتماع یعنی الگوی توزیع، همراه با تورم متحول می گردد. پس ما با دو مسئله مواجه هستیم. اثر تورم بر قدرت خرید خانوارها که به روش خرد اقتصادی تحلیل می گردد و اثر تورم بر مجموع خانوارها که الگوی توزیع را تشکیل می دهد و به روش کلان اقتصادی قابل بررسی می باشد. (عباسعلی ابونوری - ۱۳۸۹). در این تحقیق ما بنا داریم بگوئیم، آیا تورم با توجه به این عملکرد سبب گسترش فقر در جامعه می شود؟ یا خیر.

۲- مبانی نظری

تورم عبارت است از افزایش مستمر و نامتناسب قیمت کالاها و خدمات در طی زمان. برای تعیین عوامل اساسی مؤثر بر تورم نظریه های مختلفی وجود دارد. اکثر مطالعات تجربی با مبنا قرار دادن یکی از این نظریه ها به بررسی عوامل تعیین کننده تورم پرداخته اند. این امر باعث تمرکز این مطالعات بر تعداد محدودی از متغیرهای تأثیرگذار بر تورم

از طرف دیگر افزایش قیمت‌ها از طریق ایجاد عدم اطمینان در بازارها باعث عدم تمایل برای پس انداز و سرمایه گذاری شده و در نهایت به محدود شدن فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های اقتصادی می شود. این موارد باعث کاهش درآمدها، بیکاری و تشدید فقر میشود. (علی حسن زاده -۱۳۷۹)

تورم بعنوان یک مالیات منفی تاثیر معنی داری بر فقر دارد و بطور نسبی وضعیت فقرا را نسبت به ثروتمندان بدتر میکند. این به آن معنا است که مالیات تورمی اساسا ناعادلانه است. عمده ترین قضاوت در رابطه با ارتباط بین تورم و فقر از منظر بدبینانه پیروی میکند. در این منظر اعتقاد بر این است در کشورهای مانند ایران که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد و تغییرات مهم حجم نقدینگی توسط دولت صورت می‌پذیرد تورم نوعی پس انداز اجباری تلقی میشود که به تملک دولت در می آید، در اصطلاح به این پس انداز مالیات تورمی اطلاق میشود. در واقع دولت با افزایش حجم نقدینگی و ایجاد تورم باعث گسترش معضلات اقتصادی و فقر در جامعه میشود (فرهاد خداداد کاشی -۱۳۸۹). در همین رابطه تورم از چند کانال بر فقر اثر میگذارد، که عبارتند از: کاهش درآمد واقعی، افزایش بیکاری و توزیع نامناسب درآمدها که در ذیل به توضیح آنها می پردازیم.

- کاهش درآمد واقعی:

آنچه در ارتباط با تاثیر تورم بر فقر روشن است این است که در شرایط تورمی، وابستگی خانوارها به درآمدهای اسمی ثابت، تاثیر ملموسی بر فقر خانوارها بر جای میگذارد. به این ترتیب که با وقوع تورم، خانوارهایی که درآمدهای اسمی ثابت یا تقریبا ثابت، بخش عمده و اصلی درآمد آن‌ها را تشکیل میدهد، با کاهش قدرت خرید و درآمد واقعی مواجه شده و در مواردی نیز با مشکل تامین نیازهای اساسی مواجه میشوند. ادامه ی این روند، این خانوارها را دچار پدیده‌ی فقر میکنند (بلنک و بلیندر، ۱۹۸۶؛ کاتلر و کاتز، ۱۹۹۱؛ بلنک، ۱۹۹۳؛ پاورس، ۱۹۹۵). از طرف دیگر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یا همان پدیده ی تورم، اثرات متفاوتی بر قیمت کالاها و خدمات مختلف دارد. به طوری که لزوما قیمت تمام کالاها و خدمات به میزان یکسانی افزایش نمی یابد. تورم، بیشتر بر افزایش

کامل قرار گرفت، افزایش بیشتر تقاضا می تواند منجر به افزایش قیمت ها شود. این پدیده را کینز تورم خالص نامیده است (قبادی - ۱۳۶۸).

- نظریه تورم ناشی از فشار عرضه:

این نظریه ریشه تورم را در افزایش هزینه های تولید و قیمت نهاده های تولید جستجو می کند. این نظریه برخلاف نظریه فشار تقاضا، قادر به توضیح پدیده تورم رکودی است و آن را معلول افزایش هزینه های تولید و انتقال منحنی عرضه کل میداند. در این چارچوب تحلیلی فرض می شود بروز شوک‌های برونزا و تغییرات در تکنولوژی و بهره‌وری و نقش عوامل سیاسی، اجتماعی در تعیین و تغییر دستمزد، هزینه تولید کالا را افزایش داده و، بنابراین، منحنی عرضه کل را به سمت بالا منتقل می سازد و موجب افزایش قیمت‌ها می شود (شاکری، ۱۳۷۹).

- نظریه تورم ساختاری:

نظریه تورم ساختاری اعتقاد دارد که دلیل اصلی تورم در ساختارهای اجتماعی است. برای مثال ساختارهایی همانند توزیع درآمد، تولید، سیاست، دولت، فرهنگ و غیره. بنابراین بر اساس این نظریه سیاست‌های پولی و مالی نمی توانند به تنهایی مشکل تورم را حل نمایند، بلکه لازم است ساختارهای جامعه نیز اصلاح شوند. این نوع تورم مختص کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه می باشد.

- فقر و تاثیر تورم:

برای فقر تعاریف متعددی وجود دارد ولی شاید یکی از بهترین تعریف‌ها که توسط بانک توسعه آسیا عنوان شده است عبارت است از: «محرومیت از داراییها و فرصتهایی است که هر فرد مستحق آنها می باشد». تورم از موثرترین متغیرهای بر حجم و شدت فقر می باشد. بروز وضعیتهای شدید تورمی هم از طریق آثار مستقیم و هم از طریق آثار غیر مستقیم خود باعث افزایش حجم و شدت فقر میشود. افزایش قیمت‌ها باعث کاهش میزان قدرت خرید افراد جامعه بویژه گروه‌های کم درآمد و فقیر می شود. این موضوع باعث کاهش میزان تقاضای آنها برای کالاهای اساسی شده و در نهایت تامین انرژی غذایی کمتر و شدت فقر بیشتر می گردد.

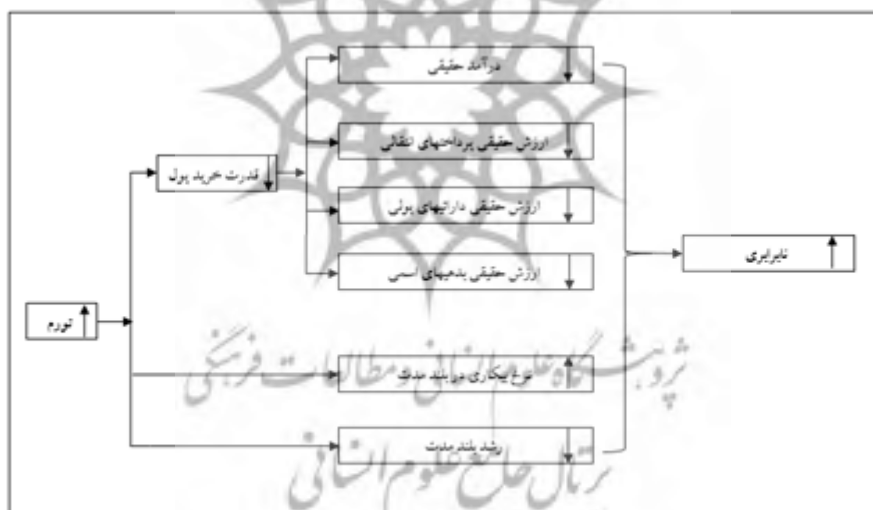
قیمت کالاها و خدمات اساسی تمرکز دارد. این گونه کالاها و خدمات، بخش قابل ملاحظه ای از مخارج خانوارهای کم درآمد را به خود اختصاص میدهد و نقش پررنگتری در الگوی مصرفی آنان دارد. بر این اساس بروز تورم، نسبت به سایر خانوارهای موجود در جامعه زیان بیشتری را متوجه این خانوارها میکند، به گونه ای که آنها را به خط فقر نزدیک میکند و یا آنها را در محدوده ی خط فقر قرار میدهد(منصور زیبایی - ۱۳۸۸).

توزیع نامناسب درآمد و افزایش نابرابری

تورم از پنج طریق سبب توزیع نامناسب درآمد یا نابرابری درآمدی در جامعه می شود(اقلامی-۱۳۹۲) که عبارتند از:

- کاهش درآمد حقیقی.

- کاهش ارزش حقیقی داراییهای پولی.
 - کاهش ارزش حقیقی پرداختهای انتقالی.
 - کاهش ارزش حقیقی بدهی ها پولی.
 - افزایش نرخ بیکاری در بلند مدت.
 - کاهش رشد اقتصادی در بلند مدت.
- همانطور که بیان شد یکی از عواملی که سبب گسترش فقر در جامعه می شود نابرابری در توزیع درآمدهاست. نابرابری در توزیع در آمد سبب فقر و اختلاف طبقاتی در جامعه می شود که تورم عامل اصلی بوجود آوردن آن می باشد. بزرگترین خدمت به فقرا و بهترین راه برای کاهش تعداد آنها جلوگیری از بروز تورم به منظور جلوگیری از افزایش خط فقر است(علی راشدی، ۱۳۹۱). تاثیر تورم بر نابرابری در آمدی در شکل زیر بطور خلاصه نشان داده شده است.(منبع: مطالعات پژوهش)



شکل (۱): تاثیر تورم بر نابرابری در ایران

۳- پیشینه تحقیق

تا کنون مطالعات بسیار زیادی در رابطه با تورم و آثار آن بر اقتصاد صورت گرفته است که ما در این جا به بخش کوچکی از آنها اشاره میکنیم:

۳-۱- مطالعات خارجی

سیمون کوزنتس (۱۹۹۵) برای نخستین بار نظریه ای ارائه نمود که بر اساس آن نابرابری درآمدی در نخستین

مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش می گذارد، سپس هم تراز می شود و سرانجام در مراحل بعدی کاهش می یابد. همچنین نشان داد که توزیع درآمد شخصی در کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته نابرابرتر است.

کول و تاو (۱۹۹۶) روند توزیع درآمد و اثر متغیرهای کلان را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه قابل توجه بی معنا بودن اثر تورم بر توزیع درآمد است، به طوری که در تمام معادلات ضریب به دست آمده برای تورم در سطح ۵ درصد بی معنا

است.

بارو (۱۹۹۷) استدلال میکند که سطح بالای تورم از طریق رکود اقتصادی شدید میتواند باعث افزایش نابرابری شود. از سوی دیگر، سطح بسیار پایین تورم (کمتر از ۲ درصد) همچنین میتواند اقتصاد را به سمت رکود ببرد و نابرابری را افزایش دهد. هنگامی که نرخ تورم بسیار پایین باشد، مصرف‌کنندگان انتظار دارند که قیمتها در آینده کاهش یابد، بنابراین بخشی از مصرف خود را به آینده موکول میکنند.

آس بولر (۱۹۸۸) رابطه بین نابرابری توزیع درآمد و تورم را با استفاده از پایگاه اطلاعاتی شامل آمار و اطلاعات ۷۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته مورد بررسی قرار داد. وی نتیجه گرفت که کاهش تورم شتابان به طور معنا داری نابرابری توزیع درآمد را کاهش می دهد، اما با این حال کاهش تورم به زیر سطحی خاص موجب بدتر شدن مجدد نابرابری می شود.

فردریک نیکسون و والترز (۲۰۰۵) به بررسی آثار خصوصی سازی بر فقر و نابرابری در اقتصادهایی که در حال انتقال از بخش دولتی به بخش خصوصی هستند در ناحیه آسیای مرکزی پرداخته اند. آنها نشان دادند که بدون در نظر گرفتن همکاری تعاونی ها خصوصی سازی به افزایش در فقر و نابرابری می انجامد.

کمر و چین (۲۰۱۱) در مقاله خود استدلال می کنند که در تعادل ایستا تورم به صورت غیر خطی توزیع درآمد درونزا را تغییر می دهد و نشان می دهند که یک انحراف کوچک از تورم صفر، بیشترین اثر را بر توزیع درآمد دارد. آنها معتقدند که سه ویژگی تعیین میکند که چگونه تورم بر توزیع درآمد اثر می گذارد: ساختار مالی، تداوم شوک و انعطاف پذیری عرضه نیروی کار است.

۳-۲- مطالعات داخلی

عسگری (۱۳۷۰) به منظور بررسی رابطه تورم و توزیع درآمد از یک مدل رگرسیون ساده دو متغیره استفاده نموده است. در این مدل از ضریب جینی سهم گروه های مختلف و حداکثر شکاف درآمدی به عنوان شاخص های توزیع درآمد

استفاده شده است. زمانی که از سهم ۱۰ درصد فقیرترین گروه درآمدی و حداکثر شکاف درآمدی استفاده می شود نتایج مدل حاکی از اثر نامطلوب تورم بر توزیع درآمد است، در حالی که رابطه معنی داری بین تورم و ضریب جینی ملاحظه نمیشود. صدر منوچهری نائینی (۱۳۷۶) با ارائه چارچوب نظری مدل های تجربی برای آزمون فرضیه کوزنتس اقدام به بررسی اثر رشد اقتصادی، بی سوادی، رشد جمعیت، مالیات بر ثروت، سهم کشاورزی و خدمات در تولید ناخالص ملی و نسبت درآمدهای نفتی به سایر درآمدها بر توزیع درآمد می کند. نتایج به دست آمده فرضیه کوزنتس را برای ایران تأیید می کند. در دوره مورد بررسی افزایش رشد اقتصادی، افزایش مالیات بر ثروت، افزایش سهم و افزایش درآمدهای نفتی موجب بهبود در توزیع درآمد، GNP خدمات و کشاورزی در بی سوادی و افزایش رشد جمعیت موجب بدتر شدن توزیع درآمد می شود. نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷) به بررسی ارتباط متقابل بین این دو پدیده می پردازند. در مدل مورد استفاده از دو شاخص ضریب جینی و سهم ۴۰ درصد فقیر استفاده شده است. نتایج حاصل نشان داد که رابطه بین نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و تورم بر توزیع درآمد به ترتیب غیرمستقیم، مستقیم و مستقیم است.

هادی زنوز (۱۳۸۴) به ارزیابی سیاست های دولت در زمینه مبارزه با نابرابری و فقر اجتماعی در ایران و سنجش ظرفیت های نهادی موجود در کشور برای اجرای برنامه فقرزدایی در آینده پرداخته است. از نتایج این تحقیق این است که دولت برای اتخاذ و اجرای سیاست های رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی می بایست ابتدا اصلاحات ساختاری لازم را در درون خود به وجود آورد.

نظری و مظاهری (۱۳۹۰) با بهره گیری از داده های سری زمانی برای دوره ۱۳۵۳-۱۳۸۷ رابطه تورم با توزیع درآمد را مورد بررسی قرار دادند. با توجه نتایج به دست آمده فرضیه (U) شکل بودن رابطه تورم و توزیع درآمد تأیید نمی شود، همچنین رشد تولید ناخالص داخلی نابرابری در توزیع درآمد را کاهش و تورم، بیکای و یارانه های دولتی نابرابری را افزایش می دهند.

POVL: خط فقر نسبی (۶۶ درصد متوسط مخارج کل خانوارها)
 INF: نرخ تورم
 GDP: رشد درآمد ملی
 GINI: ضریب جینی
 UNEM: نرخ بیکاری
 EXR: نرخ ارز

۴-۲- برآورد تجربی مدل

ابتدا آزمونهای لازم برای بررسی مانایی، ناهمسانی واریانس، همخطی و خودهمبستگی متغیرهای به شرح ذیل انجام شده و در نهایت مدل را برازش نهایی می‌کنیم.

۴-۲-۱- آزمون ایستایی متغیرها:

قبل از برآورد مدل الزامی است که ابتدا از مانایی متغیرهای مدل مطمئن شویم تا حین تخمین دچار رگرسیون کاذب نشویم. برای این منظور آزمون دیکی فولر در نظر گرفته شده است که مناسب برای بررسی مانایی داده‌های سری زمانی می‌باشد. نتایج بررسی مانایی متغیرهای این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۱): آزمون ایستایی با استفاده از دیکی فولر

احتمال	آماره t	آزمون دیکی فولر
۰/۰۱۴۳	-۳/۵۲	POVL
۰/۰۲۰۱	-۳/۳۷	INF
۰/۴۰۷۴	-۱/۷۲	GINI*
۰/۰۴۲۵	-۳/۰۴	UNEM
۰/۰۰۵	-۳/۹۴	GDP
۰/۰۰۰۹	-۴/۶۱	EXR

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج آزمون‌های مانایی با توجه به میزان احتمال‌های به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ به ما نشان می‌دهند که کلیه متغیرهای این پژوهش به غیر از متغیر ضریب جینی از ایستایی لازم برای برآورد مدل برخوردار بوده و بنابراین از متغیر نام برده تفاضل‌گیری به عمل می‌آوریم تا برای برازش نهایی مدل از ایستایی لازم برخوردار شوند.

جلالی (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین فقر و رشد درآمدها، توزیع درآمد و تورم پرداخته است. در این پژوهش کشش شاخص‌های فقر نسبت به رشد درآمد و نیز نسبت به توزیع درآمد، همچنین، اجزای تشکیل دهنده آنها محاسبه می‌شوند. فقر و توزیع درآمد به ترتیب با استفاده از شاخص‌های $FGT(\alpha)$ و ضریب جینی سنجیده می‌شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۲ فقر نسبت به افزایش درآمدها حساس است، هر چند که توزیع درآمدها می‌تواند به‌عنوان عامل مؤثرتری به ویژه در شهرهای بزرگ در نظر گرفته شود. تورم جنبه فقرمدارانه نداشته و افزایش قیمت‌ها به ویژه اقلام ضروری مانند مواد غذایی و مسکن می‌تواند وخامت وضعیت افراد فقیر را در پی داشته باشد.

تیمور محمدی (۱۳۹۴) به بررسی تغییر قیمت بر توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در مناطق شهری ایران طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۰ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سالهایی که اقتصاد تورم بالاتری را تجربه کرده است نابرابری بیشتر بوده و شاخص رفاه اجتماعی با سرعت کمتری افزایش داشته است. در چار چوب اقتصاد ایران با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که پیگیری سیاستهای تعدیل و سیاستهای اقتصادی که تورم بالا را به همراه دارند توزیع درآمد را نامتعادل تر می‌کنند.

۴- تجزیه و تحلیل و برآورد مدل

۴-۱- مدل پژوهش

در مدلی که انتخاب شده است متغیرهای نرخ تورم، رشد درآمد ملی، ضریب جینی، نرخ بیکاری و نرخ ارز بعنوان متغیرهای مستقل در مدل قرار داده شده و با استفاده از روش OLS اثر آنها بر متغیر وابسته که خط فقر نسبی است طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹ در ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. مدل رگرسیونی این پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

$$POVL = F(INF, GINI, UNEM, GDP, EXR)$$

در این مدل متغیرهای به ترتیب عبارتند از:

جدول (۲): آزمون تفاضل گیری متغیرها

آزمون دیکی فولر	آماره t	احتمال
d(GINI)	-۶/۰۹	۰

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۴): آزمون ناهمسانی واریانس

آزمون ناهمسانی واریانس بروش-پاگان-گادفری	آماره F	احتمال $F(5/23)$	۰/۶۰
--	-----------	------------------	------

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۲ به ما نشان می‌دهد که با یک بار تفاضل گیری از متغیر ضریب جینی، این متغیر به ایستایی رسید. بنابراین حین برازش مدل باید تفاضل مرتبه اول این دو متغیر لحاظ گردد.

– آزمون ریشه واحد پسماند

همانطور که در بخش قبلی مشاهده کردید، متغیر ضریب جینی در مدل این پژوهش مانا به دست آمد و با یکبار تفاضل گیری به ایستایی رسید، حال اگر تفاضل گیری را در برازش نهایی لحاظ نمائیم، ارتباط بین متغیرها فقط در کوتاه مدت است و نتایج حاصله برای تحلیل رابطه بلند مدت بین متغیرها از کارایی لازم برخوردار نخواهند بود، لذا از آزمون ریشه واحد برای پسماند کمک می‌گیریم تا ارتباط بین متغیرها در بلند مدت را مورد بررسی قرار دهیم.

جدول (۳): آزمون ریشه واحد پسماند

آزمون دیکی فولر	آماره t	احتمال
RESID	-۶/۸۰۱۳	۰

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳ گواه این نکته است که میزان احتمال پسماند کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین متغیرها در بلند مدت در ارتباط با یکدیگر قرار داشته و بنابراین حین برازش نهایی مدل بهتر است تفاضل گیری متغیر ضریب جینی لحاظ نشود.

– آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از آزمون‌های مهمی که حین برآورد متغیرهای سری زمانی باید انجام شود، آزمون ناهمسانی واریانس می‌باشد، برای این منظور آزمون‌های مختلفی در نظر گرفته شده است که ما در این پژوهش از آزمون بروش-پاگان-

گادفری بهره گرفتیم که نتیجه‌ی این آزمون در جدول زیر آمده است:

نتیجه جدول ۴ نشان می‌دهد که مدل ما دچار مشکل ناهمسانی واریانس نمی‌باشد چرا که میزان احتمال به دست آمده ۰/۰۶ بوده و بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد.

– آزمون خود همبستگی:

آزمون‌های خودهمبستگی یکی دیگر از آزمون‌های لازم برای داده‌های سری زمانی می‌باشند، از میان آزمون‌های در نظر گرفته شده برای این منظور، ما از آزمون خود همبستگی

جدول (۵): آزمون خود همبستگی LM

آزمون خود همبستگی LM	آماره F	احتمال $F(2,21)$	۰/۷۰۱۵
----------------------	-----------	------------------	--------

منبع: محاسبات تحقیق

LM استفاده کردیم که در ذیل نتایج مربوطه را ملاحظه می‌کنید:

میزان احتمال به دست آمده (بالاتر از ۰/۰۵) در جدول ۵ حاکی از آن است که مدل ما با مشکل خودهمبستگی مواجه نمی‌باشد. در این صورت حین برازش نهایی مدل دچار رگرسیون کاذب نخواهیم شد و بنابراین نتایج حاصل از برازش نهایی مدل قابل اتکاء خواهند بود.

– آزمون هم خطی:

دیگر آزمون مهمی که باید پیش از برآورد نهایی مدل مورد بررسی قرار گیرد، آزمون همخطی می‌باشد تا حین برآورد نهایی مدل دچار رگرسیون کاذب نشویم. آزمون تعریف شده برای بررسی هم خطی بین متغیرها، آزمون VIF می‌باشد که نتایج به دست آمده را در ادامه مشاهده خواهید کرد:

جدول (۶): آزمون VIF

متغیر	ضریب واریانس	Uncentered VIF	Centered VIF
INF	۰/۰۱۵۳۹۶	۱۳/۴۷۱۳۷	۲/۵۷۵۴۵۹
GINI	۰/۰۲۵۱۹	۷۸/۵۹۱۳۷	۱/۳۶۳۷۲۶
UNEM	۵/۴۱E-۰۵	۱۲۶/۷۳۴۷	۱/۵۳۸۷۲۹
GDP	۴/۰۴E-۰۶	۱۳/۲۱۶۵۳	۱/۹۰۹۵۸۳
EXR	۴/۳۷E-۰۸	۲/۱۳۵۳۷۵	۱/۳۰۲۲۹۵
C	۰/۰۱۳۳۲۲	۲۰۹/۸۱۸۴	NA

منبع: محاسبات تحقیق

فقط نرخ تورم و ضریب جینی با ضرائب ۰/۶۴ و ۰/۴۷ معنی دار میباشند و سایر متغیرهای هیچ ارتباطی با خط فقر نسبی ندارند. همچنین آماره دوربین واتسون برای مدل این تحقیق، عدد ۲/۲۰ را نشان می دهد. با توجه به اینکه سال های مورد بررسی در این پژوهش ۳۲ سال و تعداد متغیرهای مورد بررسی ۶ متغیر می باشند، لذا آماره به دست آمده (دوربین واتسون) در منطقه بحرانی قرار ندارد بنابراین نتیجه می گیریم که مدل، مشکل خودهمبستگی نداشته و نتایج به دست آمده دستخوش رگرسیون کاذب نشده اند و می توان به این نتایج اتکاء نمود.

میزان آماره R^2 ۷۱٪ به این معنا است که متغیر های مستقل پژوهش توانسته اند به میزان ۷۱ درصد متغیر وابسته مدل را توضیح دهند.

همانطور که جدول ۶ به وضوح نشان می دهد میزان centered VIF برای کلیه متغیر ها پایین تر از ۱۰ می باشد بنابراین با قطعیت می توان اذعان داشت که هیچ یک از متغیرهای پژوهش با مشکل هم خطی مواجه نمی باشند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون هایی که در طول این فصل انجام دادیم، اکنون می توانیم مدل را برازش نهایی نمائیم.

- برازش نهایی مدل:

مدل زیر با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی OLS برآورد شده است، که نتیجه ی آن در جدول ۷ آمده است.

$$POVL = F(INF, GINI, UNEM, GDP, EXR)$$

همانطور که ملاحظه می شود از بین متغیرهای مستقل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی جدول (۷): برازش مدل				
متغیر	ضریب	میزان خطا	آماره t	احتمال
INF	۰/۶۳۹۳۹۶	۰/۱۳۴۰۸	۵/۱۵۳۰۷۹	۰
GINI	۰/۴۶۷۱۲۲	۰/۱۵۸۷۱۵	۲/۹۴۳۱۵۷	۰/۰۰۶۹
UNEM	۰/۰۰۳۳۹۹	۰/۰۰۷۳۵۷	۰/۴۶۱۹۹۱	۰/۶۴۸۱
GDP	۰/۰۰۱۵۰۹	۰/۰۰۲۰۱۱	۰/۷۵۰۳۶۱	۰/۴۶۰۱
EXR	-۷/۵۶E-۰۵	۰/۰۰۰۲۰۹	-۰/۳۶۱۶۳	۰/۷۲۰۷
C	-۰/۱۸۰۷۳	۰/۱۱۱۰۰۷	-۱/۶۲۸۰۷	۰/۱۱۶
R-squared	۰/۷۶۴۵۴۴		میانگین var وابسته	۰/۲۰۴۲۵۸
Adjusted R-	۰/۷۱۷۴۵۳		انحراف معیار var وابسته	۰/۰۸۰۳۷۲
S/E مجذور رگرسیون	۰/۰۴۲۶۶۹		معیار آکایکه	-۳/۲۹۸۷۲
مجموع مجذور پس ماند	۰/۰۴۵۵۱۵		معیار شوارتز	-۳/۰۲۱۱۸
احتمال لگاریتم	۵۷/۱۳۰۲۲		معیار هانن کوئین	-۳/۲۰۸۲۵
آماره F	۱۶/۲۳۵۳۹		دوربین واتسون	۲/۲۰۲۱۸
احتمال (آماره F)	۰			

ماخذ: محاسبات تحقیق

۵- تحلیل فرضیات پژوهش

- فرضیه اصلی:

- آیا تورم سبب گسترش فقر در ایران میشود؟

با بررسی مدل پژوهش، به این مهم دست یافتیم که تورم یا همان افزایش مستمر و نامتناسب سطح قیمت‌ها که در طول سال‌ها همواره با آن رو به رو بوده ایم به گسترش فقر در جامعه کمک کرده است. این پدیده شوم سبب کاهش قدرت خرید بخش بزرگی از جامعه میشود و آنها را به خط فقر نزدیک کرده و یا در دامنه فقر قرار میدهد.

این موضوع بعنوان فرضیه اصلی پژوهش با استفاده از مدل اقتصادسنجی نیز به تایید رسیده است بنابراین بطور قطع می‌توان گفت تورم در ایران در طی سالهای ۶۸ تا ۹۹ منجر به افزایش فقر گردیده است. برای درک بهتر این موضوع به بیان دلایل ذیل در این رابطه می‌پردازیم:

همانطور که در بیان مسله آمد تورم از دو طریق سبب گسترش فقر در جامعه می‌شود:

• کاهش درآمد واقعی.

• توزیع نامناسب درآمدها.

کاهش درآمد واقعی سبب میشود تا قدرت خرید کسانی که دارای درآمدهای ثابت هستند مانند کارگران، کارمندان کاهش یابد. از طرفی همانگونه که بیان شد در شرایط تورمی انتقال دارایی از افراد که دارای درآمدهای نقدی هستند (که معمولاً در دهکهای پایین درآمدی قرار دارند) به کسانی که دارای سرمایه‌های فیزیکی میباشند صورت می‌پذیرد عبارت دیگر آنها به قیمت از دست دادن ارزش داراییهای دهکهای پایین ارزش داراییهای خود را حفظ میکنند. لذا این دو موضوع سبب می‌شود مخارج مصرفی دهکهای پایین درآمدی (۷ دهک اول) کاهش یابد. البته این کاهش منجر به کاهش متوسط مخارج کل خانوارها نمی‌گردد بلکه بدلیل زیر باعث افزایش این مخارج و متعاقب آن افزایش خط فقر نسبی و گسترش دامنه فقر می‌شود:

• مطالعات نشان میدهند که افراد با رفتارهایی چون قرض کردن و برداشت از پس انداز، تمایل دارند در قبال

نوسانات درآمدی، مصرف با ثباتی را برای خود فراهم کنند. بنابراین، مصرف نسبت به درآمد از رفتار با ثبات تری برخوردار است. لذا کاهش درآمد به همان میزان باعث کاهش در مخارج مصرفی نخواهد شد. بنابراین، مخارج مصرفی در مقایسه با درآمد، از رفتاری با ثبات تری برخوردار است و کمتر تحت تأثیر نوسانات قرار میگیرد. (رضا معبودی - ۱۳۸۹)

• با توجه به اینکه تورم بیشترین تأثیر را بر گروه کالاهای اساسی دارد و این کالاها سهم بیشتری از درآمد دهکهای پایین درآمدی را به خود اختصاص میدهند لذا آنها در شرایط تورمی الگوی مصرف را تا جای ممکن به گونه ای تغییر میدهند که مصرفشان بر روی این گروه کالایی تغییر نکند. عبارت دیگر آنها مصارف دیگر را قربانی خرید مواد غذایی میکنند و با افزایش قیمت این گروه کالایی، متوسط مخارج مصرفی آنها افزایش می‌یابد.

• از آنجایی که دهکهای بالای درآمدی به طور نسبی سهم بیشتری در متوسط مخارج مصرفی کل خانوارها ایفا می‌کنند، هزینه‌های مصرفی دهکهای بالا نسبت به دهکهای پایین، از رشد بیشتری برخوردار بوده و این موضوع، متوسط مخارج کل را افزایش میدهد. (حسین کاوند - ۱۳۸۸). بر اساس آمار موجود بیش از ۵۷ درصد سهم مخارج کل خانوارها مربوط به سه دهک بالای درآمدی است. با توجه به ترکیب دارایی این افراد که بیشتر از نوع داراییهای مصنوعی شده از آسیب‌های تورمی است و همچنین عایدی حاصل از آنها، میزان مخارج مصرفی سه دهک مذکور نه تنها در شرایط تورمی کاهش ندارد بلکه میتوان انتظار داشت بدلیل عایدات باد آورده ناشی از تورم، بطور قابل ملاحظه افزایش می‌یابد. بنابراین در شرایط تورمی متوسط مخارج کل خانوارها افزایش یافته و این موجب افزایش خط فقر نسبی و گسترش دامنه فقر می‌گردد.

نتیجه: مجموع موارد اشاره شده در بالا سبب افزایش شدت فقر و گستره دامنه آن می‌شود. بنابراین تورم سبب گسترش و شدت فقر در ایران می‌شود.

– فرضیه های فرعی:

– آیا بیکاری سبب گسترش فقر در ایران میشود؟

نتایج پژوهش به ما نشان می دهند که بیکاری در ایران تاثیری بر گسترش فقر ندارد. با توجه اینکه بیکاری به معنای از دست دادن درآمد یک فرد یا خانوار می باشد و بسیاری از تحقیقات نشان داده است اثر آن بر شدت فقر بیشتر از تاثیر تورم می باشد، اما طی این سال ها عدم وجود درآمد به معنای افزایش خط فقر نبوده و اساسا تاثیری بر گسترش فقر نداشته است. دلایل این موضوع به شرح ذیل آمده است:

• نابرابری فاحش در توزیع درآمد، پدیده جدیدی در اقتصاد ایران نیست و ده ها سال است که جامعه ی ما از آن رنج می برد. (وحید مهربانی - ۱۳۸۸). شاهد این موضوع در خوشبینانه ترین حالت وجود تورم های دو رقمی در طی چهل سال گذشته است. همانطور که بیان شد تورم یکی از عوامل اصلی در توزیع نامتناسب درآمدها است.

• با بررسی آمار ضریب جینی متوجه می شویم که اقتصاد ایران به لحاظ توزیع درآمد و اختلاف رفاه در بین اقشار جامعه در شرایط مناسبی نیست و این موضوع نیز تایید میکند که توزیع درآمدها نامتناسب می باشد.

• با بررسی متوسط مخارج مصرفی خانوارها شاهد آن هستیم که مصرف دهک دهم حدودا معادل سی درصد مصرف کل می باشد، همچنین سهم سه دهک بالای درآمدی از مصرف کل خانوارها که در جدول شماره ۱-۴ آمده است حدود ۶۰ درصد مخارج مصرفی تمام جامعه است. این به معنای آن است که مصرف سه دهک بالای درآمدی که به لحاظ جمعیتی بخش کوچکی از جامعه را تشکیل میدهند بیشتر از هفت دهک دیگر می باشد، که بخش عظیمی از جمعیت را تشکیل میدهند. این وضعیت نشان میدهد که بیشتر درآمدها بدلیل عدم تناسب در توزیع آنها در دست بخش کوچکی از جامعه قرار دارد.

جدول (۸): متوسط سهم هر دهک از متوسط مخارج کل خانوار طی ۲۵ سال - از سال ۷۴ تا ۹۸

دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم
۲/۲۱٪	۳/۹۵٪	۵/۰۷٪	۶/۱۳٪	۷/۲۴٪	۸/۵۳٪	۱۰/۱۴٪	۱۲/۳۰٪	۱۵/۹۱٪	۲۸/۵۱٪

رکود ابتدا کارگران ساده و آنهایی که از پوششهای بیمه ای برخوردار نبوده و دارای قراردادهای موقت هستند کار خود را از دست میدهند که این افراد اکثرا در دهکهای پایین درآمدی قرار دارند، لذا نرخ بیکاری در بین آنها بیشتر است. از طرفی سه دهک بالای درآمدی بدلیل جمعیت کم و نوع کارهایی که انتخاب میکنند معمولا نرخ بیکاریشان بسیار پایین تر است. بعلاوه اینکه بیکاری در بین آنها بر روی مخارج مصرفیشان اثری ندارد چون معمولا دارای منابع درآمدی متعدد و متنوع هستند. با توجه به اینکه حدود ۶۰ درصد سهم مصرف در بین سه دهک بالایی می باشد و بیکاری در بین آنها اثری بر مخارجشان ندارد لذا افزایش بیکاری در جامعه که بیشتر متوجه دهکهای پایین شده و سبب کاهش متوسط مخارج

• کمک های دولت و برنامه های بیمه بیکاری (در صورت استفاده از بیمه در دوران کار) میزان مخارج مصرفی را حمایت میکند و مانع از افت شدید مصرف خانوارهای کم درآمد و بیکار میشود.

• کار مهمترین منبع درآمدی دهکهای پایین درآمدی است (هفت دهک اول) همچنین جمعیت این هفت دهک بخش عظیمی از جمعیت کل جامعه را تشکیل میدهد بطوری که اگر فرض کنیم هر دهک یک دهم جمعیت را به خود اختصاص داده است حداقل هفتاد درصد جمعیت در این هفت دهک قرار دارد. طبیعی است با توجه به جمعیتی که در این هفت دهک قرار دارد نرخ بیکاری در بین آنها بیشتر است. بنابراین بیکاری در بین اقشار کم درآمد بیشتر بروز میکند. چون در شرایط

• از طرفی تکرار شوک‌هایی ارزی در دوره‌های زمانی مختلف، به معنی انتقال درآمد از گروه‌های پایین درآمدی به گروه‌های بالای درآمدی است. این، مسأله زمانی که بازارهای مالی ناقص بوده و ارز به عنوان ابزاری برای حفظ ذخیره ارزش تعریف می‌شود شدت جابجایی ثروت را تسریع می‌بخشد. (سهیلا پروین-۱۳۸۹) لذا، سه دهک بالای درآمدی میدانند چگونه ارزش دارایی‌های خود را در برابر کاهش ارزش پول ملی حفظ نمایند. افزایش نرخ ارز بدلیل ترکیبی که آنها برای داراییها و ثروت خود انتخاب میکنند نه تنها نمی‌تواند به ارزش دارایی‌هایشان صدمه ای وارد کند، بلکه همانطور که قبلاً گفته شد در این شرایط آنها به قیمت فقیر شدن دیگران ثروتمندتر می‌شوند و یا حداقل ارزش ثروت خود را حفظ می‌کنند. این موضوع نابرابری و شکاف طبقاتی را عمیق‌تر میکند.

• تئوری‌های مطرح شده در رابطه با افزایش نرخ ارز تأکید دارند که این سیاست، می‌تواند محرک خوبی برای توسعه صادرات و همچنین افزایش ذخایر ارزی باشد، اما در مقابل، از کانال واردات، مستقیماً هزینه‌های تولید، تورم و هزینه‌های زندگی و رفاه خانوارها را متأثر می‌سازد. (پروین-۱۳۹۸). در حقیقت همانگونه که قبلاً در جدول متغیرهای موثر بر تورم نیز آورده شده است افزایش نرخ ارز یکی از عوامل موثر در بروز تورم و افزایش نامتناسب سطح قیمتها می‌باشد.

• با توجه به موارد فوق، در اثر افزایش نرخ ارز وضعیت اینگونه خواهد بود که:

۱. سه دهک بالای درآمدی که حدود ۶۰ درصد سهم مخارج مصرفی جامعه مربوط به آنهاست ثروتمندتر شده‌اند، بنابراین مخارجشان نسبت به قبل افزایش خواهد یافت.
 ۲. تغییر در میزان مخارج مصرفی هفت دهک دیگر درآمدی کمتر از میزان کاهش درآمد واقعی آنها خواهد بود. بنابراین مخارج مصرفی این دهکها به اندازه کاهش درآمد واقعی آنها کاهش نمی‌یابد.
 ۳. سطح عمومی قیمتها بدلیل تاثیر افزایش نرخ ارز افزایش می‌یابد.
- در نتیجه کاهش مخارج کل از ناحیه هفت دهک اول، با

آنها می‌شود بر روی مخارج کل تاثیری ندارد. چون کاهش مخارج دهکهای پایین در اثر بیکاری توسط مخارج دهکهای بالا خنثی میشود. همانطور که قبلاً هم اشاره شد میزان مصرف خانوار در برابر تغییرات درآمدی ثبات بیشتری داشته و کمتر تغییر میکند. با توجه به اینکه خط فقر نسبی از متوسط میزان مخارج کل استخراج میشود بنابراین تاثیر بیکاری بر آن بی‌معنی است.

نتیجه: نتایج بدست آمده از مدل پژوهش نشان میدهد که رابطه بین بیکاری و گسترش فقر در ایران بی‌معنی است. ولی با توجه به توضیحات اشاره شده این عدم ارتباط بدلیل توزیع نامتناسب درآمد هاست.

– آیا افزایش نرخ ارز سبب افزایش فقر در ایران میشود؟

از بررسی‌های تجربی به عمل آمده در پژوهش به این مهم رسیدیم که نرخ ارز در دوره مورد بررسی نتوانسته بطور مستقیم تاثیر معناداری بر خط فقر نسبی در ایران داشته باشد. این در حالی است که باید درعمل عکس این موضوع اتفاق افتاده باشد. پس چرا اثر کاهش ارزش پول ملی در این پژوهش بر روی خط فقر نسبی بی‌تاثیر است؟

• همانطور که در توضیح تاثیر نرخ بیکاری بر خط فقر نسبی بیان شد اقتصاد ایران، اقتصادی است که در آن نابرابری درآمدی بسیار فاحش است.

• افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی که در طی دوره مورد بررسی اتفاق افتاده است بطور مستقیم ارزش درآمدی‌های نقدی را کاهش میدهد. این موضوع سبب کاهش درآمد واقعی کسانی است که دارای درآمد ثابت هستند. همانطور که در بحث بیکاری بیان شد این افراد بیشتر در هفت دهک اول درآمدی قرار میگیرند. کاهش قدرت خرید این گروهها باعث کاهش مخارج مصرفی آنها می‌شود ولی همانطور که گفته شد این کاهش به بدلیل ثبات بودن تغییرات مصرف در برابر تغییرات درآمد، کمتر از کاهش درآمد واقعی آنهاست ولی در نهایت سبب کاهش متوسط مخارج کل این هفت دهک میشود که حدوداً ۴۰ درصد از مخارج کل را به خود اختصاص داده‌اند.

معنادار بر خط فقر نسبی داشته باشد. با توجه به نتایج حاصله شاید بتوان عدم تاثیر گذاری رشد اقتصاد بر خط فقر را به نابرابری و عدم توزیع نامتناسب درآمدها ارتباط داد.

تاثیر رشد بر فقر بستگی به توزیع درآمد در جامعه دارد. اگر توزیع درآمد در جامعه نامتناسب باشد رشد اقتصادی اثری قابل توجهی بر کاهش فقر نخواهد داشت. در این پژوهش هیچ رابطه معنی داری بین رشد درآمد ملی و حجم فقر مشاهده نمی شود. اگر میزان افزایش در درآمد فقرا بیش از میزان افزایش متوسط مخارج کل خانوارها باشد میتوان گفت که رشد درآمد ملی منجر به کاهش شدت فقر و حجم آن شده است در این حالت بخشی از افراد که در زیر خط فقر قرار دارند به بالای آن منتقل میشوند و بخشی دیگر از آنها به خط فقر نزدیک میشوند یعنی از شدت فقر آنها کاسته میشود.

در پژوهش حاضر هیچ رابطه معنی داری بین رشد درآمد ملی و تغییر در خط فقر وجود ندارد. عبارتی رشد درآمد ملی باعث نمی شود تغییر معنی داری در مخارج کل خانوارها ایجاد شود. این وضعیت را میتوان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد.

- رشد در آمد ملی بدلیل ناکارآمدی و نابرابری در توزیع درآمدها تاثیر زیادی در درآمد اکثر خانوارهایی که در دهکهای پایین درآمدی قرار دارند و اکثرا حقوق بگیر هستند ندارد، لذا تغییر محسوسی در مخارج آنها ایجاد نمی شود.

- همانگونه که قبلا بیان شد تغییر در درآمد به همان اندازه سبب تغییر در مصرف نمی شود.

- بدلیل عدم وجود رشد پایدار (که یکی از دلایل اصلی آن وجود تورم های دو رقمی می باشد) همچنین سوابق ذهنی و نگرانی دهکهای پایین درآمدی و کسانی که دارای درآمدهای ثابت هستند از وضعیت و آینده اقتصاد، با فرض اینکه رشد درآمد ملی تاثیر مثبتی در افزایش درآمدهای آنها داشته باشد، این افزایش یا صرف تسویه بخشی از بدهیهای معوق میگردد و یا به شکل های مختلف (نظیر خرید سکه، ارز و دارایی هایی که از خطر تورم در امان باشند) برای شرایط رکود و سخت آینده پس انداز خواهد شد. لذا تاثیر آنچنانی در مخارج مصرفی آنها نداشته و در نهایت مخارج کل خانوارها را تغییر نمی دهد.

افزایش مخارج کل از ناحیه سه دهک ثروتمند جامعه جبران میشود و تغییر آنچنانی در متوسط مخارج کل خانوارها در جامعه اتفاق نمی افتد. لذا خط فقر نسبی که برگرفته از میزان متوسط مخارج کل می باشد نیز تغییر نمی کند. این همان نتیجه است که از برازش مدل در رابطه با افزایش نرخ ارز در این پژوهش بدست آمده است.

نتیجه: نتایج بدست آمده از مدل پژوهش نشان میدهد که رابطه بین نرخ ارز و گسترش فقر در ایران بی معنی است. ولی با توجه به توضیحات اشاره شده این عدم ارتباط بدلیل توزیع نامتناسب درآمد هاست.

- آیا نحوه توزیع درآمد موجب افزایش فقر در ایران می شود؟

نتایج بدست آمده از مدل در قالب متغیر ضریب جینی به ما نشان میدهد نابرابری در توزیع درآمد و شکاف طبقاتی همواره تاثیری مثبت و معناداری بر خط فقر گذاشته و با افزایش این نابرابری و شکاف طبقاتی (شکاف درآمدی) خط فقر نسبی در ایران افزایش می یابد. همانطور که در توضیح فروض قبل نیز بیان شد افزایش نابرابری یعنی افزایش نابرابر درآمد و ثروت طبقات و دهکهای بالای جامعه در مقابل دهکهای پایین جامعه. این افزایش ثروت و دارایی قطعا موجب افزایش مخارج مصرفی این دهکها خواهد شد. با توجه به اینکه سهم این دهکها از متوسط مخارج کل حدود ۶۰ درصد می باشد و با توجه به سایر ملاحظات که در بیان فروض قبل آمد، این افزایش در نهایت سبب افزایش خط فقر نسبی شده و باعث گسترش فقر میگردد. گفتنی است این فرضیه طبق نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر تأیید شده است.

نتیجه: نتایج بدست آمده از مدل پژوهش نشان میدهد که توزیع نامتناسب درآمدها در ایران سبب گسترش فقر در ایران می گردد.

- آیا رشد درآمد ملی سبب کاهش فقر در ایران میشود؟

انتظار می رود رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی سبب کاهش فقر در ایران شود ولی با توجه به نتایج پژوهش حاضر ملاحظه می شود که رشد درآمد ملی در ایران نتوانسته تاثیری

– دیدگاه قرآن کریم در رابطه با فقر و تورم
– خداوند ثروتمند و غنی است و انسان را بسوی ثروت و غنا هدایت می‌کند:

خداوند متعال در آیات متعدد خود را غنی معرفی میکند از جمله آیه ۴۰ سوره نمل: فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ. (بدرستی که خداوند غنی و بخشنده است). این بدیهی است که خداوند از همه نظر غنی است. خداوند در کتابهای آسمانی انسان را بسوی خود هدایت میکند یعنی بسوی غنا و ثروت به تمام معنی آن. همانطور که میدانیم فقر نقطه مقابل غنا و ثروت قرار دارد. یعنی در مقابل هدایت الهی قرار میگیرد و انسان را از خدا دور میکند. این مورد در سخنان پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) متواتر به چشم می‌خورد. لذا هر عاملی که سبب ایجاد فقر شود در مقابل خدا قرار دارد. با توجه به اینکه تورم عامل گسترش فقر در جامعه می‌باشد، هر کس به هر دلیلی سبب ایجاد تورم در جامعه شود در نقطه مقابل خدا و هدایت الهی قرار دارد.

– خداوند انسان را بسوی علم و دانایی هدایت می‌کند:

خداوند دانای مطلق است و انسان را بسوی منشاء علم و دانایی که خود اوست هدایت میکند بنابراین هر کس مانع دانایی شود در نقطه مقابل خدا قرار دارد و مانع هدایت الهی است. در همین رابطه خداوند می‌فرماید:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)/

سوره محمد (ص)

خدا اعمال کسانی را که کافر شدند و مردم را از راه خدا باز داشتند باطل ساخته است.

بر اساس این آیه کسانی که مانع هدایت الهی شوند کافرنند و خداوند همه اعمال نیک آنها را باطل میکند. خداوند در توصیف این افراد در آیات ۲۲ و ۵۵ انفال آنها را بدترین جانوران روی زمین معرفی می‌فرماید:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲)/

انفال

بدترین جانوران در نزد خدا این کران و لالان هستند که در نمی‌یابند.

• دهک‌های بالای درآمدی که بیشترین سهم در مخارج مصرفی خانوارها را دارند با توجه به شرایط تورمی ترکیب دارائیها و ثروت خود را به گونه ای تنظیم میکنند که مصارفشان خیلی به رشد یا عدم رشد اقتصاد ملی ارتباط نداشته باشد. لذا در شرایط رشد درآمد ملی مصارف آنها تغییر چندانی ندارد.

• سیاست‌های کلان اقتصادی اگر منجر به رشد پایدار گردند، سطح اشتغال و تولید حقیقی را تحت تاثیر قرار میدهد. این امر، هم از سمت درآمدها و هم از سمت توزیع آن، فقر را بهبود می‌بخشد. (سهیلا پروین -۱۳۸۶) با توجه به اینکه رشد اقتصادی در طی سی سال اخیر از نوسانات زیادی برخوردار بوده است میتوان گفت که اثر چندانی در بهبود فقر نداشته است لذا ارتباط آن با حجم فقر بی معنی است.

• وقتی رشد درآمد ملی اثری بر مخارج مصرفی خانوار ندارد شاید پیام آن این است که بخش بزرگی از اقتصاد یا حداقل بخش قابل توجهی از آن بطور زیر زمین اداره میشود، بطوری که، عمده مخارج مصرفی برخی خانوارها از این محل تامین می‌گیرد. یا اینکه درآمد ملی در کانالهای وارد میشود که به افزایش رفاه جامعه نمی‌انجامد، به عبارتی سبب توسعه بخشهای اقتصادی نمی‌شود و به رشد اقتصادی پایدار منتج نمی‌گردد. مانند وارد شدن در کانالهای رانت که در بخشهای مختلف فعالند و در نهایت سرمایه‌ها را به مسیرهایی غیر از بخشهای مولد هدایت کرده و دست آخر به خارج از اقتصاد ایران منتقل می‌کنند و هرگز آن را باز نمی‌گردانند.

• با توجه به توضیحات ارائه شده و نتایج بدست آمده از مدل، رشد درآمد ملی تاثیر معنا داری بر متوسط مخارج کل خانوارها نداشته لذا بر خط فقر نسبی که از این مخارج منتج میشود نیز اثری ندارد. این مطالب نشان می‌دهند که آخرین فرضیه این پژوهش هم به تأیید نرسیده و رد شده است.

نتیجه: نتایج بدست آمده از مدل پژوهش نشان میدهد که رابطه بین رشد درآمد ملی و گسترش فقر در ایران بی معنی است. ولی با توجه به توضیحات اشاره شده این عدم ارتباط بدلیل توزیع نامتناسب درآمد هاست.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۵)/
انفال

هر آینه بدترین جانوران در نزد خدا آنها هستند که کافر شده‌اند و ایمان نمی‌آورند: (۵۵)

قبلا بیان شد که فقر سبب از بین رفت استعداد های بشری می شود که بستری برای دانایی او می باشد. پس هر کس به هر دلیلی سبب بروز و گسترش فقر در جامعه شود در مقابل خدا قرار دارد و مانع هدایت و حرکت انسانها بسوی خدا است.

- فقر وعده شیطان:

خداوند در آیه ۲۶۸ سوره بقره می فرماید:
الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸)

شیطان وعده میدهد به شما فقر را و امر میکند شما را به فحشا و خدا وعده میدهد شما را به آمرزش خود و فروزی، خداوند گشایش دهنده و داناست.

فقر وعده ی شیطان است، بعبارتی شیطان متعهد شده است تا انسان را از همه نظر فقیر کند (هم به لحاظ فکری و هم مالی) تا بر او مسلط شود و به کارهای زشت فرمانش دهد. بنابراین هر کس به هر دلیلی جامعه را به سمت فقر سوق دهد تحت امر شیطان و در نقطه مقابل خدا قرار دارد.

- تورم، بزرگترین فساد در عالم هستی است:

خداوند داستان قوم شعیب را در سوره های اعراف، هود، شعراء و عنکبوت بیان فرموده است. خطایی که این قوم مرتکب شدند کم ارزش کردن مال مردم و کم فروشی است که در نهایت منجر به نابودی آنها گردید. حاکمان و ثروتمندان قوم شعیب بواسطه توان مالی و حاکمیتی و همچنین نفوذی که در جامعه داشتند کم فروشی و کم ارزش کردن مال مردم را در جامعه رواج داده بودند. خداوند این کار آنها را بزرگترین فساد در عالم معرفی فرموده است و در آیه ۱۸۳ سوره شعرا می فرماید:

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳)/ شعراء.

و ارزش چیزهای (اموال) مردم را کم نکنید و در زمین

شدیدترین (بزرگترین) فساد را مرتکب نشوید. (لازم به توضیح است که کلمه «تَعْتُوا» به معنای شدیدترین نوع فساد است). تفسیر المیزان، ذیل تفسیر آیه) این کلمه پنج بار در قرآن آمده است که سه بار آن در رابطه با قوم شعیب است که کارشان بی ارزش کردن مال مردم با استفاده از ترفندهای اقتصادی بوده است).

خداوند کم ارزش کردن مال مردم را بزرگترین فساد در عالم بیان فرموده اند یعنی بالاتر از زنا، همجنسگرایی، قمار، دزدی، شراب خواری، دروغگویی، غیبت، ربا، شرک، بت پرستی، خوردن مال مردم به باطل، قتل، خوردن مال یتیم، فحشا و بعبارتی سرآمد تمام چیزهای که خداوند بشر را از آن منع فرموده است. امروز تورم مصداق عینی کم ارزش کردن مال مردم است. از طرفی این پدیده همچنان که در تحلیل آماری پایان نامه نشان داده شده است سبب بروز و گسترش فقر در جامعه می شود و در این رابطه نیز در مقابل فرامین الهی قرار دارد.

- احکام الهی بنا به مصالح تغییر نمی کند:

شاید این موضوع مطرح شود که انسان بنا به مصالح می تواند تغییری در برخی از احکام الهی ایجاد نماید .. مثلا در مقطعی هر یک از این مواردی را که خداوند منع فرموده اند بنا به دلایل و شرایط زمان آزاد نمایند .. خداوند در آیات متعدد تکلیف این موضوع را نیز مشخص فرموده اند. از جمله در آیات ۱۱۵ سوره انعام و ۶۴ سوره یونس به روشنی می فرمایند:

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)/ انعام

و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست. (۱۱۵)/ انعام

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)/ یونس

آنان را است بشارت در زندگانی دنیا و در آخرت، نیست تبدیلی برای سخنان خدا، این است آن رستگاری بزرگ (۶۴)/ یونس

گونه ای اداره کنند که منجر به بروز و گسترش پدیده تورم در آن شود. دلیل اصلی این تاکید در قرآن کریم این است که خداوند ابعاد نفرت انگیز این پدیده را به صراحت و مکرر بیان فرموده است و قطعاً راهکارهای لازم، برای جلوگیری و رفع آن را در اختیار انسان قرار داده است.

♦ پیشنهاد میشود کسانی که قرار است اداره امور اقتصاد جامعه را در دست بگیرند ابتدا بدانند هر کس و هر عاملی که سبب بروز این مفسده عظیم در جامعه گردد و یا نسبت به رفع آن اقدام ننماید. فعالانه در جنگ با خدا، پیامبر(ص) و علم دانایی قرار دارد. چنین جامعه ای هرگز نشانه های توسعه، و رفاه اجتماعی را به معنای واقعی نخواهد دید.

♦ با توجه به اثر معنی دار تورم در گسترش فقر، برای از بین بردن این پدیده شوم بزرگترین و مهمترین راهکار در ابتدا از بین بردن تورم است. هر کس در هر اقتصادی ادعا کند با فقر مبارزه میکند و در آن اقتصاد تورم وجود داشته باشد ادعای آن بی معنی است.

♦ عدالت خواهی و عدالت محوری با وجود فقر و تورم و عدم جبران خسارتهای ناشی از این دو پدید برای زیان دیدگان، غیر ممکن است.

♦ اداره کنندگان امور اقتصاد جامعه بدانند هیچ اقتصادی با وجود تورم نمی تواند مراحل توسعه یافتگی را طی کند، چون توسعه در بستر عدالت شکل می گیرد و تورم نقطه مقابل عدالت است.

♦ پیشنهاد میشود اداره کنندگان امور جامعه بدانند حرکت بسوی خدا یعنی حرکت بسوی دانایی و علم است، چون خداوند متعال منشاء علم و دانایی است. نتیجه علم ودانایی براساس آیات صریح قرآن کریم و بر اساس تمام پژوهشهای علمی، رفاه، آسایش و کاهش و رفع تمام مشکلات جامعه در تمام زمینه ها می باشد. بنابراین اگر در مسیری که برای توسعه انتخاب نموده اند به وضوح با پدیده تورم روبرو هستیم طبق آیات صریح قرآن کریم در نقطه مقابل علم دانایی قرار گرفته ایم.

♦ طبق آیات صریح قرآن کریم ستون و قوام جامعه بشری، اقتصاد جامعه می باشد. بنابراین برای قوام جامعه باید

با توجه به این آیات هیچ مصلحتی نمیتواند ظلم را توجیه و عدل و صدق را تغییر دهد. دانستن این موضوع خیلی نیاز به آیات الهی ندارد. اگر تاریخ را مرور کنیم تاکنون هیچ دولتی و هیچ سیستم حاکمیتی بنا به مصالح، فحشا، تجاوز، دروغگویی، دزدی و قتل را در جامعه خود آزاد نکرده است. حال فرض کنید رفتاری وجود داشته باشد که بسیار بدتر از این موارد باشد و دولتها نظار گر و بعضاً عامل اصلی ترویج آن باشند و اجازه دهند سایرین نیز در جامعه به آن کار مشغول باشند... تورم مصداق واقعی چنین حالتی است، که نتیجه آن گسترش فقر و پیامدهای ناشی از آن در جامعه می باشد. همانطور که بیان شد زشتی تورم، بسیار بالاتر از تمام اعمالی است که خداوند بطور مستقیم آنها را منع فرموده است و بر اساس آموزه های قرآنی هیچگاه، هیچکس حق ندارد در هیچ زمانی و به هیچ دلیلی چنین مفسده بزرگی را مرتکب شود.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات:

با توجه به اینکه سال ها است انواع پژوهشها در زمینه تورم و فقر انجام شده و پیشنهادات مختلف برای رفع این موارد در اختیار مسئولین امر قرار داده شده است، ولی نتایج عملی پیش رو در تمام این سالها گویای این مطلب است که این زحمات شاید مورد توجه جدی قرار نگرفته است. لذا این پژوهش در حد بضاعت خود سعی نموده است موضوع را از دیدگاه قرآن کریم بیان نموده و زشتی و خطر دو پدیده تورم و فقر را با استفاده از آیات قرآن کریم به تصویر کشد. امید است این نگاه پنجره ای بر حقیقت بگشاید و سبب شود تا مسئولین مربوطه با استفاده از راهکارهای علمی، بدون نقص و اثبات شده که قرآن کریم به آنها نیز اشاره دارد، دو پدیده شوم فقر و تورم را از دامان اقتصاد ایران پاک نمایند. در همین رابطه پیشنهادات ذیل ارائه میگردد:

♦ در قرآن کریم به صراحت تورم بعنوان بزرگترین مفسده در عالم هستی معرفی شده است. لذا، پیشنهاد میشود اداره کنندگان امور جامعه ابتدا بدانند که این پدید به قدری زشت و منفور است، که هیچکس حتی انبیاء و اولیاء الهی به هیچ عنوان و به هیچ دلیل و مصلحتی حق ندارند جامعه را به

رویال آل عمران، سید علی آل عمران، ۱۳۹۳، ارزیابی اثر توزیع درآمد، تورم و نرخ باسواد بر میزان سرقت در ایران، ۱۳۹۳. تیمور محمدی، عباس شاکری، مهنوش عبدالله میلانی، علی شهابی، ۱۳۹۳، بررسی اثر تغییر قیمتها بر توزیع درآمد و رفاه در مناطق شهری. فصلنامه مدل سازی اقتصاد شماره ۱، بهار ۹۴. زائری محمد، ندی کامران، ۱۳۹۲، محاسبه هزینه های رفاهی تورم در ایران، فصلنامه راهبردی اقتصادی شماره چهاردهم. اکبر کمیجانی، فریدون محمد زاده، ۱۳۹۲، تاثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست های جبرانی، فصلنامه پژوهشها و سیاست های اقتصادی، شماره ۹۶ بهار ۹۳.

علی اصغر ارشدی، عبدالعلی کریمی، بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سالهای برنامه اول تا چهارم توسعه، فصلنامه سیاست های راهبردی کلان، بهار ۹۲. ذبیح اله مکی پور، علی ربانی، ۱۳۹۱، بررسی علل اقتصادی آسیب های اجتماعی با تاکید بر رابطه تورم و جرائم در ایران طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۷۰. علی اکبر خسروی نژاد، برآورد فقر و شاخص های فقر در مناطق شهری و روستایی، فصلنامه مدل سازی اقتصاد شماره ۲، تابستان ۹۱.

علی اکبر ناجی میدانی، میهن دخت کاظمی، ماندانا غفوری، ۱۳۹۰، بررسی تاثیر گذاری جهانی شدن اقتصاد بر فقر با توجه به دو شاخص تورم و بیکاری، ۱۳۹۰، دو فصلنامه اقتصاد پولی و مالی - پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۲. علی حقیقت، خسرو پیرانی، محمد دانش نیا، ۱۳۸۹، ارتباط بین تلاطم تولید و تورم در ایران، دو فصلنامه پولی، مالی شماره ۱ تابستان ۱۳۹۰.

پروین سهیلا، ۱۳۸۹، تاثیر تغییرات قیمت بر فقر، فصلنامه اقتصاد مقداری، تابستان ۸۹. عباس شاکری، اسفندیار جهانگیری، سمیه اقلامی، ۱۳۸۹، اثر غیر خطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره چهارم، ۱۳۹۲. محمد حسین فطرس، رضا معبودی، ۱۳۸۹، رابطه بین نابرابری و نابرابری مخارج مصرفی، فصلنامه پژوهش رفاه اجتماعی، سال یازدهم شماره ۴۰.

اقتصاد جامعه در بهترین شرایط قرار گیرد. بی توجهی به این موضوع یعنی بی اعتنایی به خدا، قرآن و علم و دانایی. ♦ طبق آیات صریح قرآن کریم جامعه ای که اداره کنندگانش در مسیر علم و دانایی نباشند هرگز مشکلاتش حل نمی شود و هرگز رستگار نخواهند شد. یکی از نشانه های بارز و مهم حرکت در مسیر دانایی عدم وجود تورم در اقتصاد است.

منابع

قرآن کریم و کتب احادیث و تفاسیر قرآن و استفتاء از مراجع تقلید. سهیلا پروین، علی اصغر بانویی، ۱۳۹۸، اثر یکسان سازی نرخ ارز بر فقر در ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه با (CGE)، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره اول - بهار ۱۳۹۹.

ابوالقاسم اتنی عشری امیری، اصغر ابولحسنی هستیانی، محمد رضا رنجبر فلاح، بیتا شایگانی، ۱۳۹۷، اثر حجم نقدینگی بر رشد اقتصادی در ایران (با رویکرد مدل پارامتر زمان متغیر)، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۸. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷، چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی.

محسن جلالی، رویکرد تحلیلی در بررسی فقر در ایران، فصلنامه روند، شماره ۹۶، بهار ۹۴.

اندازه گیری فقر چند بعدی در ایران و نگاهی به تجارب جهانی کاهش فقر، معاونت پژوهش های اقتصادی، ۱۳۹۶. اقلامی سمیه، ۱۳۹۴، اثر غیر خطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی شماره چهاردهم.

محمد حسین پور کاظمی، امین بیرانوند، محبوبه دلفان، ۱۳۹۴، تعیین عوامل تاثیر گذار بر تورم و طراحی سیستم هشدار دهنده تورم شدید در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشها و سیاست های اقتصادی، سال ۱۳۹۴، شماره ۷۶.

نگهدار ابراهیم، پیرانی خسروی، کشاورز حداد غلامرضا، حقیقت علی، ۱۳۹۳، برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون - گیری، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه و بودجه شماره ۱، بهار ۹۳.

- عباسعلی ابونوری، سمیه مفتاح، هادی پرهیزی گشتی، ۱۳۸۹، تجزیه و تحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۹.
- خداداد کاشی فرهاد، حیدری خلیل، ۱۳۸۸، اندازه‌گیری شاخصهای فقر بر اساس عملکرد تغذیه خانوارهای ایرانی، پژوهشنامه اقتصادی پاییز ۸۸.
- مهربانی وحید، ۱۳۸۸، تاثیر پذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی بهار ۸۹.
- محسن مهر آرا، رامین مجاب، ۱۳۸۸، ارتباط میان تورم، نا اطمینانی تورم، تولید و نا اطمینانی تولید در اقتصاد ایران، ۱۳۸۹، نظر دهمرده، زهرا کسائی، ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران، ۱۳۸۸، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی شماره ۵۱، بهار ۱۳۹۰.
- منصور ریایی، عبدالرسول شیروانیان، ۱۳۸۷، بررسی اثرات متغیرهای کلان بر نرخ فقر شهری و روستایی در ایران، ۱۳۸۸، محمد مهدی عسگری، حسین غفور زاده، بررسی مفهوم فقر از منظر قرآن و روایات ائمه اطهار، مطالعات قرآن و حدیث، شمار ۱، سال ۱۳۸۸.
- عبدالرسول شیروانیان، عبدالکریم اسماعیلی، ۱۳۸۸، بررسی تاثیر تغییرات قیمت بر فقر روستایی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران شماره ۲.
- هادی زنوز، تقی ترابی، حسین کاوند، فریده باقری، ۱۳۸۸، ساختار نابرابری در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشهای رفاه اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۳.
- عباسی حسین آبادی حسن، ولی زاده محمد جواد، ۱۳۸۷، تاثیر عملکرد عرف در حکم فقهی نظریه جبران کاهش ارزش پول، مرکز تحقیقات اقتصادی، کاربردی و اسلامی.
- وحید تقی نژاد عمران، مجید حسینی، ۱۳۸۷، اثر تورم بر اندازه بخش مالی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۲۴، بهار ۸۹.
- علی اکبر ایزدی فرد، ۱۳۸۶، بررسی فقهی قرض اسکناس و تاثیر تورم بر آن، فصلنامه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷.
- سهیلا پروین، احسان طاهری فرد، ۱۳۸۷، تاثیر سیاستهای پولی بر فقر و توزیع درآمد، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شمار ۹۲.
- غلامرضا سرآبادانی، ۱۳۸۵، تورم، عوامل و راهکارهای مقابله با آن در ایران.
- بهروز زنوز، فقر و نابرابری درآمدی در ایران، ۱۳۸۴.
- کوهسار خالیدی، زوار پرمه، بررسی وضعیت فقر در ایران در مناطق شهری و روستایی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۹۴ بهار ۸۴.
- نسرین ارضروم چیلر، ۱۳۸۴، ابعاد گوناگون فقر در ایران، مرکز پژوهشهای بانک مرکزی، شماره ۲۷.
- اسماعیل ابونوری، علی تاجدین، ۱۳۸۳، برآورد اثر تورم بر نابرابری توزیع هزینه ایران با استفاده از روش ناپارامتری، ۱۳۵۰-۱۳۸۹، فرهاد خداداد کاشی، فریده باقری، خلیل حیدری، ۱۳۸۱، اندازه‌گیری شاخصهای فقر در ایران، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پاییز ۱۳۸۱.
- فرهاد خداداد کاشی، خلیل حیدری، فریده باقری، برآورد خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۳. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۰.
- علی حسن زاده، ۱۳۷۹، بررسی عوامل موثر بر فقر. پایان نامه دکتری.
- عباس شاکری، ۱۳۷۹، بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- تفضلی فریدون، ۱۳۷۹، سیاستهای اقتصاد کلان، تهران، نشر نی.
- برانسون ویلیام، ۱۳۷۸، تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.
- Albanesi; Stefania (2007), "Inflation and Inequality", Journal of Monetary Economics, Vol.54, pp.1088-1114.
- Assadzadeh, A. and Paul, S. (2004). Poverty, growth and redistribution: A case study of Iran. Review of Development Economics. 8: 640-653.
- Addison, J. T. and Blackburn, M. L. (1998). Minimum wages and poverty. Department of Economics. University of South Carolina. Colombia.

- Blank, R. M. and Blinder, A. S. (1986). Macroeconomics, income distribution, and poverty. In S. H. Danziger and D. H. Weinberg, eds., *Fighting Poverty: What Works and What Doesn't*. Harvard University Press: 180-208.
- Bach; G.L. & James B. Stephenson(1974), "Inflation and the Redistribution of Wealth", *The Review of Economics and Statistics*, Vol.56, No.1, pp.1-13
- Alchian; Armen A. & Reuben A. Kessel(1959), "Redistribution of Wealth Through Inflation", *Science, New Series*, Vol.130, No.3375, pp.535-539.
- Blank, R. M. (1993). Why were poverty rates so high in the 1980s? In D. B. Papadimitriou and E. N. Wolff, eds. *Poverty and Prosperity in the USA in the Late Twentieth Century*. New York. St. Martin's Press: 21-55.
- Paul, S. "A Model of Constructing the Poverty Line", *Journal of Development Economics*, 30, (1989): 129-14.
- Ravallion, M. (1998). "Poverty Lines in Theory and Practice" LSMS working paper, No 133, World Bank..

